

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مبیاد بدین بوم و بر زنده یک تن مبیاد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مترجم: داکتر عبدالحنان روستائی
۱۳۸۹ نوروز

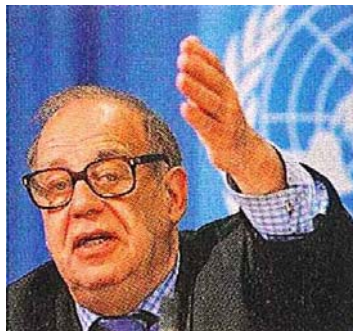
سیاست مرگبار کشورهای غربی

ژان تسیگلر متخصص ملل متحد می گوید که :
" فقر و گرسنگی ساخته و پرداخته انسان است "

مضمون زیر به شیوه مصاحبه در مجله "طبیعت و کیهان" یعنی "مجله ای در خصوص طبیعت، محیط زیست و زندگی دوامدار و معقول" در شماره ماه جنوری ۲۰۱۰ به زبان المانی نشر شده است که اینک ترجمه دری آن خدمت خوانندگان ارجمند تقدیم می گردد. برای علاقه مندان زبان المانی متن اصلی در اخیر ترجمه ضمیمه گردیده است.

مصاحبه کنندگان : آقایان بولینگ و رسپر

مصاحبه شونده : آقای جان سیگلر (به تصویر زیر مراجعه شود) متولد سال ۱۹۳۴ شهر تون سوئیس می باشد که در پوهنتون های شهر ژنف و سوربن پاریس به حیث پروفیسور جامعه شناسی تدریس می کرد. او برای مدت ۲۸ سال به حیث نماینده در پارلمان سوئیس ایفای وظیفه نموده که به موضوعات جنجال بر انگیز می پرداخته است. در سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ آقای سیگلر به حیث راپورتر خاص مؤسسه ملل متحد در بخش "حق تغذی" ایفای وظیفه نموده و از همان زمان در پست معاونیت کمیته مشورتی شورای حقوق بشر ملل متحد مقرر گردیده. آقای سیگلر در کتاب جدید خود به نام "نفرت از غرب" (چاپخانه برتلسمن در قید ۲۸۸ صفحه و قیمت ۱۹، ۹۵ یورو) توضیح مینماید که چطور کشورهای صنعتی با سیاست خطاکارانه، عدم آگاهی، بی شرمی و با رشوه دهی در کشورهای فقیر به آمل خود مانند آزادی و دیموکراسی زبان می رسانند.



سؤال : آقای سیگلر، چندی قبل دو خبر همزمان در سطح جهان پخش شد. یکی این که حدود یک میلیارد انسان گرسنگی می کشند و دوم این که ۳۰ کمپنی بزرگ مالی امریکائی برای منیجرهای خود، با وجود بحران مالی، ۱۴۰ میلیارد دالر پرداختند (به قسم بخشش، اعانه یا شیرینی – شرح از مترجم). آیا فاصله بین اغنیاء و فقراء از این بیشتر می شود؟

جواب : بلی! واقعیت قضیه همین طور است. گرسنگی در سطح جهان به صورت گسترده افزایش می یابد. قرار معلومات سازمان غذائی مؤسسه ملل متحد (FAO) هر روز بیشتر از بیست هزار نفر از گرسنگی هلاک می شوند و حدود یک میلیارد انسان به صورت دوامدار به کمبود غذا مواجه بوده و به سوء تغذی مُصاب اند. قرار اظهارات سازمان غذائی مؤسسه ملل متحد، زراعت جهان توانائی تغذی دوازده میلیارد انسان را دارد و این تعداد دو برابر تعداد انسانهاییست که اکنون در گستره گیتی زندگی می نمایند.

سؤال : شما در کتاب خویش به نام "نفرت از غرب" توضیح داده اید که چطور ظلم و تعدی عصر بردگی و استعمار در سیاست موجود ادامه داده می شود. آیا می توانید در این مورد یک مثال مشخص بیاورید؟

جواب : بلی! بطور مثال کشور نایجریا را در نظر بگیرید که من در کتاب خود یک فصل را به آن اختصاص داده ام. نایجریا هشتمین کشور تولید کننده نفت در جهان است، ولی این کشور در ردیف فقیرترین بیست کشور جهان قرار دارد. در این کشور یک گروه از انسان های بسیار فساد پیشه، رشوه خوار و خونریز که از نظامیان و معامله گران تشکیل یافته اند، ثروت های سرشار این کشور را غارت می کنند. اهمیت قضیه در این است که این گروه را کانسرن های غربی و در پیشاپیش آنها کانسرن ها و کمپنی های نفتی پشتیبانی و تقویت می کنند. این کمپنی ها آن دم و دستگاه را سر حال نگه می دارند. زیرا کانسرن های نفتی به این گروه آدم کشان نیاز دارد و این گروه آدم کشان به کمپنی های نفتی. در نتیجه مردم بر باد می شوند.

سؤال : البته نایجریا یک مثال فوق العاده است.

جواب : من برای شما مثال دیگری می آورم که در مورد بسیاری از کشورهای فقیر مصداق می یابد. در سال ۲۰۰۹ کشورهای صنعتی بطور اوسط حدود ۳۵۰ میلیارد دلار به منظور تولیدات زراعتی و صدور این محصولات به خارج برای زارعان کشورهای خود کمک (سبیدی یا "تقاوی") دادند، یعنی بصورت تقریبی روز یک میلیارد دلار. اگر شما امروز در بازار یک کشور افریقائی، به طور مثال در بازار زندگه در شهر دکار که یکی از بزرگترین، پر رنگ ترین و پر غوغا ترین بازار های افریقائی غربیست، تشریف ببرید، می توانید در آنجا محصولات زراعتی المانی، ایتالیائی، پرتگالی و غیره را به نصف قیمت تولیدات زراعتی افریقائی به دست آورید.

سؤال : آیا این محصولات زراعتی به آنجا صادر می گردد؟

جواب : بلی! این کار جنون آمیز است. در چند کیلو متری این بازار دهقانان سنیگالی با زن و فرزند شان روی مزرعه روزانه دوازده ساعت در زیر آفتاب سوزان جان می کنند و نمی توانند حد اقل بخور و نمیر خود را پیدا نمایند. نه تنها به خاطر اینکه باید با محصولات خارجی به صورت غیر مستقیم رقابت نمایند، بلکه بخاطر آنکه سطح تولید محصولات زراعتی در آنجا بسیار پائین است.



در افریقا (در این تصویر کشور ملاوی) زارعان نه تنها برضد اوضاع و احوال بد می رزمند، بلکه برضد محصولات زراعتی کشورهای اروپائی که به کمک مالی (سبیدی) دولت های آنها تولید می شود نیز باید مبارزه نمایند.

در منطقه یا کمر بند ساحل (کمر بند یا زون ساحل به ساحه ای کم عرض اما طولانی و کشیده ای اطلاق می گردد که فی ما بین صحرای اعظم افریقا در شمال و سرزمین های هموار، سبز و مرطوب به سمت جنوب در وسط این قاره قرار گرفته است. طول اعظمی این زون ۷۵۰۰ کیلومتر و عرض اعظمی آن ۸۰۰ کیلومتر است و هر چند سالی در این ساحه خشک سالیهای مهلکی رونما می گردد که باعث گرسنگی های شدید می شود - شرح از مترجم). یک هکتار زمین (پنج جریب زمین - شرح از مترجم) در منطقه ساحل بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ کیلو گرام غله حاصل می دهد. در حالیکه در منطقه بدن ویورتمبرگ المان یک هکتار زمین ده هزار کیلو گرام حاصل بار می آورد. ولی این بدان معنی نیست که گویا دهقان افریقائی در مقایسه با دهقان المانی کمتر کار می کند. نه خیر چنین

نیست، بلکه علت آن این است که دهقان المانی صاحب تراکتور، تخم بذری خوب و کود کیمیائی است. در حالیکه بسیاری دولت های افریقائی نسبت قرض های فراوانی که به دوش می کشند، فاقد چنین توانائی هائی می باشند.

سؤال : آیا کمک های انکشافی برای رفع این مشکل نمی باشد؟

جواب : کمک های انکشافی هم در قبال بحران مالی زیان دیده اند. در اکتوبر ۲۰۰۸، زمانی که بحران مالی حاد شده بود، رؤسای ۵ کشور اروپائی فیصله کردند که مبلغ ۱۷۰۰ میلیارد یورو را برای نجات بانکها در اختیار آنها بگذارند. در همان هفته فرانسه سهم کمک های خود را برای امداد های عاجل بشری مؤسسه ملل متحد به نصف تقلیل داد. سائر کشور های اروپائی نیز فرانسه را سرمشق قرار داده سهم خود را در چنین کمک هائی کاهش دادند. در نتیجه سازمان غذائی مؤسسه ملل متحد در قبال بحران مالی جهان ۴۰ در صد قدرت خرید خود را از دست داد.

سؤال : آیا آنچه در اینجا بحران نامیده می شود، در آن جا فاجعه می گردد؟

جواب : بلی! الفونزی الایز نویسنده معروف فرانسوی گفته بود که : "وقتی آدم غنی لاغر شود، آدم غریب در منجلاب گرسنگی می افتد." همین حالا ۲،۲ میلیون نفر در کمپ های مهاجران در منطقه دافور در سودان، جائیکه قتل عام صورت می گیرد، زندگانی می کنند. مؤسسه ملل متحد مکفیت دارد که زندگی بخور و نمیر این مهاجران را تأمین نماید. اما مؤسسه ملل متحد مجبور است که مواد غذائی را جیره بندی نماید. این جیره برای یک نفر در یک روز ۷۰۰ کالوری انرژی می دهد و این حد اقل بخور و نمیر را نشان می دهد، که خود مؤسسه ملل متحد مقدار آنرا تعیین کرده است. بدین ترتیب مؤسسه ملل متحد مجبور شده که زن ها، مرد ها و اطفال را با کمبود مواد غذائی یا سوء تغذی مواجه بسازد.

سؤال : گرسنگی چه زمانی انسان را به خطر مرگ روبرو می کند؟

جواب : یک انسان می تواند تا ده روز بدون غذا زنده بماند در صورتیکه آب به دسترسش قرار داشته باشد. بعد از آن حالت نزع یا مرگ حکمفرما می شود. در گام نخست دستگاه دفاعی بدن از هم پاشیده و عضلات کم شده میروند. به تعقیب آن جهاز تنفسی را مکروب می گیرد. پس از آن انسان می افتد و بی حال می گردد و توانائی دفاعی خود را کاملاً از دست می دهد و بعد از آن مرگ می آید. مرگ از گرسنگی یک مرگ بسیار درد آور است. این مرگ فنا و نابودی آنی نبوده بلکه وجود انسان با جهاز عصبی، عضلات و سیستم دفاعی آن در مبارزه می افتد، تا اگر بتواند از تجزیه و پاشیدن وجود جلوگیری نماید. این حالت واقعاً پر رنج و عذاب بوده و مبارزه بر ضد مرگ است. ولی آنچه بسیار فاجعه زاست تولید مجدد بیولوژیک است.

سؤال : معنی این سخن چیست؟

جواب : زنانیکه با کمبود مواد غذائی زندگانی می کنند، وقتی طفل تولد می نمایند، به این اطفال زیان بسیار رسیده می باشد. چنین اطفالی در رحم مادر مواد غذائی کافی دریافت نکرده و بعد از تولد شیر نمی یابند. هر طفلی که تا سن پنج سالگی نتواند غذای مناسب بخورد، در زندگی معیوب بار می آید. حتی اگر اوضاع و احوالی که چنین طفلی در آن زندگی می کند، بصورت مثبت تغییر هم بکند، بطور مثال اگر دفعناً پولی برای خرید مواد غذائی پیدا گردد، ولی با آن هم زندگی چنین طفلی نورمال نمی شود. زیرا در سالهای اول سنین طفلی حجات مغز انکشاف می کنند. اگر حجات مغز بصورت درست انکشاف ننموده باشند، آن طفل زندگی نداشته در همان طفولیت با درد و تحقیر آشنا می گردد. در قاموس مؤسسه ملل متحد به چنین حالتی "گرسنگی خموش" اطلاق می گردد. چنین گرسنگی به صورت فوری و عاجل به وجود نیامده، بلکه مصیبتی است که از نسلی به نسل دیگر ادامه می یابد. این زنجیره شیطانی باید شکستنده شود.

سؤال : به صورت مشخص بگوئید که انسان بر ضد این اوضاع و احوال چه کرده می تواند؟

جواب : اگر ما بار دیگر مثال نایجریا را بیاوریم، باید گفت که قبل از همه مهم است که جهان غرب جامعه متمدن نایجریا را که در حال رشد است، به صورت فعال کمک های سیاسی و اقتصادی نماید. به عنوان مثال نهاد های صیانت از محیط زیست را در حوزه دلنا کمک نمایند (منظور دلتای رودخانه نایجر است که در نایجریا جریان دارد). اراضی این حوزه پر نفوس که ۷۰ هزار کیلومتر متر مربع وسعت دارد، بسیار زرخیز بوده و در اعماق آن منابع عظیم نفت و گاز موجود است که کشور های غربی بخاطر تصاحب آن بجان مردم این سرزمین افتیده اند - شرح از مترجم). همچنان به کلیساهای عیسوی و به اتحادیه های گارگری که هنوز بسیار ضعیف اند، باید کمک صورت بگیرد. و بعد از آن باید حتمی یک وسیله ای بوجود بیاید که به کمک آن بر ضد رشوه های بسیار گزافی که از جانب کمپنی های غربی برای جنرالهای نایجیریائی پرداخته می شود، مبارزه صورت گیرد. در این مسیر یک نظر اینست که برای محاکمه جنایتکاران اقتصادی یک محکمه بین المللی به وجود آید.

سؤال : آیا در این رابطه کدام پلان مشخص وجود دارد؟

جواب : بلی! یکی از آن جمله ابتکار خانم میرکل صدر اعظم المان است که به اساس این ابتکار باید در چوکات مؤسسه ملل متحد یک شورای امنیت برای حل مسائل اجتماعی و اقتصادی به وجود بیاید. در این خصوص مذاکرات و جر و بحث هائی از قبل به جریان افتیده است. اکثریت کشور های شامل ملل متحد که تعداد شان به ۱۹۲ عضو

میرسد، می خواهد از این هم پیشتر رفته و خواهان به وجود آوردن یک محکمه بین المللی در خصوص جنایات اقتصادی اند، شبیه به محکمه بین المللی جزائی.

سؤال : انسانها در این خط السیر به حیث یک فرد چه کرده می توانند؟

جواب : آلمان بزرگترین کشور دیموکراتیک اروپاست. از جانب دگر همه عواملی که باعث به وجود آمدن گرسنگی می شوند، ساخته و پرداخته انسان اند. مردم آلمان می توانند از وزیر مالیه این کشور تقاضا کنند تا او در جلسه عمومی صندوق وجهی بین المللی، به خاطر اطفالی که از گرسنگی در حال مرگ و میر اند، بر خلاف منافع بانک های مربوط، از پرداخت قروض کشور های فقیر صرف نظر نمایند. امکان دگر این است که جلو صدور محصولات زراعتی ارزان که در اروپا با پرداخت پول (سبسیدی) از طریق دولت ها پشتیبانی می شود و در نتیجه اقتصاد زراعتی افریقا را ضربه کاری می زند، گرفته شود. شورای وزیران اتحادیه اروپا هر شش ماه روی این مسأله تاکید می کند که صدور محصولات زراعتی از اروپا به خارج باید توسط دولت پشتیبانی مالی (سبسیدی) شود. در این رابطه رأی وزیر زراعت آلمان بسیار وزنه دارد. ما می توانیم از او تقاضا کنیم که آلمان باید قضیه پشتیبانی مالی (سبسیدی) از صدور محصولات زراعتی از اروپا به خارج را بلا عوض نموده و به کلی از بین ببرد. همچنان ما می توانیم که از طریق قانون مانع آن گردیم که عوض غله، نباتات بخاطر تولید تیل کشت نشوند (در سالهای اخیر در بسیاری از کشور های صنعتی نباتاتی کشت میشود که از تیل آنها برای سوخت استفاده صورت می گیرد، تا قیمت پترول بلند نرود - شرح از مترجم). این مأمول به همت ما مربوط می شود، مخصوصاً که در سیستم های دیموکراتیک نمی توان بهانه ای را پیشکش کرد.

تبصره مترجم :

آنچه آقای سیگلر در رابطه با سیاست کشور های صنعتی در برابر کشور های فقیر بیان کرد، در مورد افغانستان کاملاً مصداق می یابد. در هشت سال گذشته به اصطلاح جامعه بین المللی تحت رهبری امریکا یک دسته از جنایتکاران و وطنفروشان را بقدرت رسانیده که از منافع یکدیگر متقابلاً دفاع می کنند. یک قطار ملا ها مخصوصاً ائتلاف شمال و در رأس آن شورای نظار همه روزه بر پای و پنجال استعمار و امپریالیزم به سجده افتیده و آنها را در کشتار مردم خود و در ویرانی مملکت خویش مدد بی دریغ میسرسانند. استعمار و امپریالیزم با به کار گیری طالبان و به کمک صد هزار سپاهی تا دندان مسلح از بام تا شام به کشتار هم میهنان و ویرانی کشور ما مصروف اند. یک گروه از روشنفکرانی که در برابر مال و جاه از همه چیز خود گذشته اند و احساس وطنخواهی را به حساب دوران بیعقلی در نوجوانی خود می گذارند، کشتار وطنداران و ویرانی وطن را پروسه دیموکراسی خوانده، متجاوزین را ناجی ملت دانسته، آگاهانه به چشم مردم خاک پاشیده و به مثابه جاده صاف کن استعمار عمل می کنند.

به گفته آقای سیگلر بازنده این بازی شیطانی که استعمارگران خارجی، وطنفروشان و جنایتکاران داخلی و روشنفکران خودفروخته به کمک هم به راه انداخته اند، مردم اند. پس واضح می گردد که چرا در هشت سال گذشته تعداد گرسنگان در افغانستان زیاد گردیده. قرار راپور ملل متحد ۸۰ در صد مردم افغانستان در زیر نصاب فقر زندگی می کنند. ملیونها افغان در اوضاع و احوال ناهنجار در کشورهای همسایه جان می کنند و صدها هزار دگر در داخل کشور بی جا شده اند. اقتصاد مملکت فلج و تولید به رکود مواجه گردیده است. از جانب دگر عده جنایتکار و معامله گر به کمک استعمارگران به پول و ثروت های بزرگ رسیده اند. این جنایتکاران و روشنفکران خود فروخته هر روز به استعمار و امپریالیزم عسوه می فروشند. عده ای دگر آرمان استفاده از اوضاع و احوال جاری را به نفع مردم افغانستان خواب می بینند. در حالیکه هر آنچه را تجربه ثابت کند، قابل قبول می باشد. تجربه هشت سال گذشته نشان داد که جم غفیری از جنایتکاران و وطنفروشان به همکاری استعمارگران در چور و چپاول دارائی های عامه، کاسبکاری و زراندوزی مصروف اند و وضع اقتصادی و امنیتی اکثریت مردم روز به روز بدتر شده می رود. بر اثر آتش افروزی صد هزار سپاهی خارجی و طالبان در افغانستان حجم ویرانی بیشتر از مقدار آبادیست، گذشته از اینکه آبادی افغانستان کفاره خون یک افغان را نمی کند و تا حال بیشتر از صد هزار افغان کشته شده اند. و این درد را آنانی می کشند که وابستگان خود را در این بازی شیطانی از دست داده اند، نه آنهاست که در خیمه شب بازی استعمارگران جام خود را به نام این ملت سر می کشند و دست بدست استعمار با ناز و کرشمه بر روی نعش وطنداران خود رژه می روند. لذا نجات مردم افغانستان از این مصیبت ملی فقط در حصول استقلال و حاکمیت ملی، آزادی و عدالت اجتماعی تحقق می یابد و بس. و این مأمول زمانی برآورده می شود که اشغالگران به بیرون از کشور پرتاب شوند و ایادی آنها اعم از جنایتکاران، وطنفروشان، طالبان و روشنفکران خود فروخته که در دولت دست نشانده کرسی حضور به هم رسانیده اند، به جایگاه اصلی شان در زیاله دانی تاریخ سپرده شوند و این حکم تاریخ است که چنین باد!!

„Die Politik des Westens

UNO-Experte Jean Ziegler: Hunger und Armut

Herr Ziegler, zwei Meldungen gingen kürzlich am selben Tag um die Welt: Eine Milliarde Menschen müssen hungern, und die 30 größten US-Finanzfirmen zahlten ihren Managern trotz Krise Rekordboni: über 140 Milliarden Dollar. Geht die Schere zwischen Arm und Reich immer weiter auseinander?

Das ist in der Tat so. Der Hunger in der Welt nimmt massiv zu. Laut der Welternährungsorganisation FAO sterben jeden Tag über 20000 am Hunger, eine Milliarde sind permanent schwer unterernährt; und vor allem: Das sind 20 Prozent mehr als noch vor neun Jahren. Dabei müsste kein Mensch verhungern. Laut FAO könnte die Weltlandwirtschaft zwölf Milliarden Menschen ernähren, das Doppelte der jetzigen Weltbevölkerung.

In Ihrem neuen Buch „Der Hass auf den Westen“ (siehe Kasten) beschreiben Sie, wie die Gräueltaten der Sklaverei und des Kolonialismus in der aktuellen Politik ihre Fortsetzung finden. Können Sie dafür ein konkretes Beispiel geben?

Nehmen Sie Nigeria, dem ich ein eigenes Kapitel widme. Nigeria ist der achtgrößte Ölproduzent der Welt, aber es gehört zu den zwanzig ärmsten Ländern! Es wird regiert von einer unendlich zynischen, korrupten und brutalen Clique aus Militärs und Geschäftemachern, die den Reichtum des Landes für sich abzweigen. Aber gestützt werden sie von den westlichen Konzernen, vor allem den Ölkonzernen. Die halten das System stabil. Die Konzerne und die Junta brauchen sich gegenseitig, und das Volk geht dabei drauf.

Nun ist Nigeria sicher ein Extremfall.

Ich gebe Ihnen ein anderes Beispiel, das ganz viele Länder betrifft. Letztes Jahr haben die Industrienationen im Schnitt rund 350 Milliarden Dollar für Produktions- und Exportsubventionen an ihre Bauern ausgegeben. Jeden Tag fast eine Milliarde! Wenn Sie heute einen afrikanischen Markt besuchen, beispielsweise den Sandaga-Markt in Dakar, den größten, farbigsten, lärmigsten Markt in Westafrika, dann können Sie dort deutsches, italienisches, portugiesisches Gemüse zur Hälfte des Preises der afrikanischen Produkte kaufen.

Die werden dorthin exportiert?

Ja, das ist der Wahnsinn. Und ein paar Kilometer weiter rackert der senegalesische Bauer mit seiner Frau und seinen Kindern unter brennender Sonne, zwölf Stunden täglich auf seinem Feld und hat keine Chan-

ce auf ein Existenzminimum. Nicht nur weil er indirekt mit ausländischen Erzeugnissen konkurrieren muss, sondern weil die Produktivität so gering ist. In der Sahelzone gibt ein Hektar etwa 600 oder 700 Kilo Getreide. In Baden-Württemberg sind es zehn Tonnen. Das liegt aber nicht daran, dass der afrikanische Bauer weniger arbeitet als der deutsche Bauer. Sondern weil der deutsche Bauer Traktoren, gutes Saatgut und Dünger hat. Das können sich viele afrikanische Staaten wegen ihrer Verschuldung nicht leisten.

Ist nicht dafür die Entwicklungshilfe gedacht?

Auch die wird ja im Zuge der Krise zusammengestrichen. Im Oktober 2008, als die Krise akut geworden war, beschlossen die 15 Regierungschefs der Eurozone, 1700 Milliarden Euro zur Rettung ihrer Banken lockerzumachen. In derselben Woche hat Frankreich seine Beiträge für die humanitäre Soforthilfe der UNO fast um die Hälfte gekürzt! Andere europäische Staaten übrigens ebenso. Und dazu hat das Welternährungsprogramm der UNO allein wegen der Wirtschaftskrise 40 Prozent seiner Kaufkraft verloren.

Was bei uns Krise ist, wird dort zur Katastrophe.

Ja. Es gibt einen Satz des französischen Schriftstellers Alphonse Allais: „Wenn der Reiche abmagert, verhungert der Arme.“ Zur Zeit leben 2,2 Millionen Menschen in den Flüchtlingslagern in Darfur, wo ein schrecklicher Völkermord stattfindet. Die UNO ist verpflichtet, diese Menschen am Leben zu halten. Doch sie muss jetzt Rationen verteilen, die pro Tag 700 Kalorien unter dem von ihr selbst definierten Existenzminimum liegen. Die UNO organisiert gezwungenermaßen die Unterernährung von Frauen, Kindern, Männern.

Wann wird Hunger zur tödlichen Gefahr?

Ein Mensch kann etwa zehn Tage ohne Nahrung überleben, vorausgesetzt er hat etwas Wasser. Doch dann setzt die Agonie ein. Zuerst bricht das Immunsystem zusammen. Dann kommt der Muskelschwund, die Infektionen in den Atemwegen, dann fallen die Menschen hin, liegen da, komplett wehrlos. Und dann kommt der Tod. Der Hungertod ist eine fürchterlich schmerzhaft Agonie. Es ist kein Verlöschen, sondern der Körper kämpft mit seinem Nerven-, Muskel-, Immunsystem gegen den Zerfall. Das ist ein wirklich schmerzhafter Todeskampf. Was aber besonders schlimm ist, ist die biologische Reproduktion.

ist mörderisch“ sind menschengemacht

Was bedeutet das?

Wenn unterernährte Frauen Kinder gebären, sind diese Kinder bereits schwerst geschädigt. Sie bekommen im Mutterleib keine Nährstoffe und nach der Geburt keine Milch. Ein Kind aber, das bis zu seinem fünften Lebensjahr keine adäquate Ernährung bekommen hat, ist ein Krüppel fürs Leben. Selbst wenn sich die Situation bessert, wenn es plötzlich mehr Geld für Essen gibt, das Kind käme nicht mehr zu einem normalen Leben zurück. Denn in den ersten Lebensjahren entwickeln sich die Gehirnzellen. Wenn die Gehirnzellen nicht richtig entwickelt sind, hat das Kind kein Leben, es kennt nur Diskriminierung und Schmerz. Im Jargon der UNO heißt das „silent hunger“, der „stille Hunger“. Es ist keine plötzliche Hungersnot, sondern ein Fluch, der sich von Generation zu Generation fortsetzt. Diese schreckliche Kette muss unterbrochen werden.

Was könnte man konkret tun?

Wenn wir wieder Nigeria als Beispiel nehmen: Da wäre zunächst ganz wichtig, dass der Westen die aufkommende Zivilgesellschaft aktiv politisch und finanziell unterstützt: die Umweltorganisationen im Delta, die christlichen Kirchen, die noch schwachen Gewerkschaften. Und dann müsste unbedingt ein Instrument geschaffen werden, um die astronomischen Korruptionszahlungen der westlichen Konzerne an die nigerianischen Generäle zu bekämpfen. Eine Idee in dieser Richtung wäre eine internationale Gerichtsbarkeit für Wirtschaftsverbrechen.

Gibt es da konkrete Pläne?

Unter anderem hat Bundeskanzlerin Merkel die Initiative ergriffen, einen UN-Sicherheitsrat für soziale und wirtschaftliche Fragen zu schaffen. Da gibt es bereits eine intensive Diskussion. Eine Mehrheit der 192 UNO-Staaten will noch weiter gehen und analog zum Internationalen Strafgerichtshof einen Internationalen Gerichtshof für Wirtschaftsverbrechen schaffen.

Und was kann der Einzelne unternehmen?

Deutschland ist die größte Demokratie Europas. Alle Kausalitäten, die zum Hunger führen, sind menschengemacht. Der deutsche Stimmbürger kann vom Finanzminister verlangen, dass er bei der nächsten Generalversammlung des Weltwährungsfonds (IWF) für die sterbenden Kinder, für die Entschuldung der ärmsten Länder und gegen die Interessen der Gläubi-

Fotos: CARE/Chloe Bayram, floart-press.blogspot.com



In Afrika (hier: Malawi) kämpfen die Bauern nicht nur gegen widrige Bedingungen, sondern auch gegen subventionierte Agrarprodukte aus der EU.

gerbanken stimmt. Oder das Agrar-Dumping, die Zerstörung der afrikanischen Agrarwirtschaft durch Exportsubventionen der EU – das wird alle sechs Monate bekräftigt vom EU-Ministerrat. Da hat die deutsche Landwirtschaftsministerin eine ganz wichtige Stimme. Wir können von ihr verlangen, dass Deutschland für die ersatzlose Abschaffung der Exportsubventionen stimmt. Und wir können die Umwandlung von Nahrungsmitteln in Treibstoff per Gesetz verbieten. Es hängt von uns ab. In der Demokratie gibt es keine Ausreden.

INTERVIEW: S. BULLING/CARE, M. RASPER

Kämpfer gegen die Ungerechtigkeit

Jean Ziegler, geboren 1934 in Thun/Schweiz, war Professor für Soziologie in Genf und an der Pariser Sorbonne sowie 28 Jahre lang Abgeordneter im Schweizer Parlament, wo er häufig heikle Themen aufgriff. 2000-2008 war er UNO-Sonderberichterstatter für das Recht auf Nahrung, seither ist er Vizepräsident des Beratenden Ausschusses des UNO-Menschenrechtsrates. In seinem neuen Buch „Der Hass auf den Westen“ (Verlag C.Bertelsmann, 288 S., 19,95 €) beschreibt er, wie die Industriestaaten durch ihre verfehlte Politik, durch Ahnungslosigkeit und Zynismus und durch aktiv betriebene Korruption ihre eigenen Ideale von Freiheit und Demokratie bei den armen Ländern völlig in Misskredit gebracht haben.

